فصلنامه تاریخ اسلام
سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، شماره مسلسل ۴۰

تأملی در آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی در ایران[i]

تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۸ تاریخ تأیید: ۸۸/۱۱/۱۲

دکتر عباس احمدوند*

به رغم فراوانی متون کهن جغرافیای تاریخی در میان ایرانیان و با وجود آن‌که در دهه‌های اخیر درسی با عنوان «جغرافیای تاریخی» در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود و پژوهشگرانی به پژوهش و مطالعه در این زمینه اشتغال دارند، مفهوم و مصداق این دانش بین رشته‌ای، همچنان دچار ابهام و گاه آمیختگی با دیگر علوم چون باستان شناسی و تاریخ محلی است. بر این اساس در مقاله حاضر پس از بررسی تعاریف، سابقه تدریس و شیوه آن و پژوهش‌های صورت گرفته، به مسائل و مشکلات مربوط به تدریس و پژوهش این دانش در ایران خواهیم پرداخت و راه‌حل‌هایی برای برون‌رفت از تنگناهای آن ارائه خواهیم کرد.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، جغرافیای تاریخی پژوهی در ایران، تدریس جغرافیای تاریخی در ایران، تاریخ محلی.

---

i. تقدیم به استادم جناب آقای دکتر قرچانلو که دغدغه توجه به جغرافیای تاریخی را در پژوهش‌های تاریخی به جانم افکند.

* استادیار دانشگاه زنجان

مقدمه: جغرافیای تاریخی و چالش تعریف

با آنکه بسیاری از متون کهن جغرافیایی را می‌توان در زمره متون جغرافیای تاریخی به شمار آورد و بر همین اساس بسیاری از جغرافی‌دانان قرون گذشته را از جمله پیشروان جغرافیای تاریخ‌نگاری دانست. عموماً فلیپ کلور[i] آلمانی (قرن هفده میلادی)، نویسنده جغرافیای تاریخی آلمان را بنیان‌گذار جغرافیای تاریخی[ii] پنداشته‌اند.[۱] از زمان کلور تا قرن بیستم که این دانش بر اثرتلاش‌های دو جغرافی‌دان برجسته، کارل سائر[iii] و درونت ویتلزی،[iv] رونق بسیاری یافت،[۲] پیوسته شاهد نگارش آثاری با عنوان جغرافیای تاریخی مناطق و زمان‌های گوناگون توسط جغرافی‌دانان غربی هستیم. با این همه تنوع رخ داده در برداشت جغرافی‌دانان و نیز مورخان از مفهوم و مصداق جغرافیای تاریخی، دانشمندان قرن بیستم را به ارائه تعریف‌هایی اجماع آفرین واداشته است.

سائر در سخنرانی مشهور خویش در انجمن جغرافی‌دانان آمریکا (دسامبر ۱۹۴۰) اذعان می‌دارد که پژوهش در جغرافیای تاریخی امری دشوار است.[۳] وی همچنین فرهنگ را دارای ماهیتی تاریخی می‌داند.[۴] که به مدد جغرافیای تاریخی می‌توان فرهنگ انسانی و در واقع جغرافیای انسانی (اقامتگاه انسان) را مورد بررسی قرار داد.[۵] با دقت در این تصریح کارل سائر و توجه به روش‌هایی که وی آنها را در جغرافیای تاریخی پژوهی ضروری می‌داند.[۶] و نیز ویژگی‌ها و روش‌های جغرافیای تاریخی، به دست می‌آید که[۷] انسان عاملی مهم و تأثیرگذار بر جغرافیایی تاریخی و در نهایت، آفرینش فرهنگ است.[۸] پس جغرافیای تاریخی منطقه‌ای خاص را در یک دوره زمانی خاص مورد توجه قرار می‌دهد و به بررسی تعامل انسان و طبیعت و آثار فرهنگی آن می‌پردازد.[۹]

درونت ویتلزی نیز در سخنرانی ۱۹۴۴ م. در انجمن جغرافی‌دانان امریکا، پس از بحثی

---

i. Philipp cluver
ii. Historical Geography
iii. Carel o. sauer
iv. Derwent Whittlesey

مستوفا در باب مناطق گوناگون در دوره‌های مختلف و تأثیرات خاص هر مکان در زندگی، آرا و عقاید انسان[۱۰] می‌کوشد تفاوت مفهوم مکان و زمان را به تصویر بکشد.[۱۱] ویتلزی که برداشتش از جغرافیای تاریخی بسیار شبیه سائر است، به منظور توجیه جغرافی‌دانان سنتی انجمن جغرافی‌دانان، تأکید می‌ورزد جغرافیای تاریخی دارای همان اصالت جغرافیاست، ولی داده‌های آن را تاریخ فراهم می‌آورد، هر چند ابزارها و ملاحظات معمول آن جغرافیایی است.[۱۲]

با این همه در نوشته‌هایی که پس از این دو در باب تعریف جغرافیای تاریخی، تعیین مصادیق، اهداف و روش پژوهش در آن، نوشته شده، جغرافیای تاریخی هر چه بیشتر از منظور بنیان‌گذاران اولیه خود دور گردیده، محیط را مد نظر قرار داده است. به نظر می‌رسد پس از جنگ جهانی دوم برخی ویژگی‌های اساسی این حوزهٔ بین رشته‌ای تاریخ و جغرافیا تغییر کرده باشد، زیرا از این به بعد هدف آن فهم تکامل یک منطقه خاص جغرافیایی و بررسی تغییرات آن گردید.[۱۳] بر این اساس جغرافیای تاریخی باید به مطالعه تغییرات جغرافیایی منطقه‌های خاص و زمانی معین (در گذشته) بپردازد.[۱۴] در دهه‌های پایانی قرن بیستم نیز جغرافیای تاریخی بیشتر بر آن بود که تأثیر محیط‌های جغرافیایی را بر حوادث تاریخی نشان دهد.[۱۵]

از آنچه تاکنون آمد، روشن می‌شود هدف اصلی مبدعان جغرافیای تاریخی، مروّجان و محققان آن، عبارت است از اینکه اولاً، تأثیر محیط طبیعی و جغرافیایی را بر حوادث انسانی نشان دهد؛ ثانیاً، اگر جغرافیا را به علم بررسی روابط انسان[i] و زمین[ii] تعبیر کنیم، جغرافیای تاریخی باید اقدامات انسان (به گفته سائر فرهنگ) را در گذشته مورد بررسی قرار دهد. به زبان ساده جغرافیای تاریخی مناطق خاص را در زمانی به خصوص (درگذشته) مورد بررسی قرار می‌دهد و تأثیر محیط را بر رخ دادن حوادث تاریخی و نیز

i. Human
ii. Geo

دستاوردهای (فرهنگی) انسانی متبلور در محیط را می‌کاود. حال این سؤال مطرح است که آیا جریان تدریس و پژوهش جغرافیای تاریخی در ایران به این مقاصد اساسی اواسط و اواخر قرن بیستم دست یافته است؟

۱. جغرافیای تاریخی و دریافت ایرانیان از آن

جغرافی انگاری از نقاط اوج تمدن ایرانی ـ اسلامی است و جغرافی‌دانان آثار فراوان و گرانسنگی را از خویش به یادگار نهاده‌اند.[۱۶] پس از رواج جغرافیای تاریخی جدید نیز، به گزارش دکتر محمد حسن گنجی، تنها انجمن آثار ملی ایران، حدود یکصد عنوان کتاب را در زمینه جغرافیای تاریخی منتشر کرد.[۱۷] با این همه تاکنون تعاریف گوناگونی از جغرافیای تاریخی ارائه شده و هنوز بر سر تعریفی واحد توافقی حاصل نشده است؛[۱۸] چنان که به نظر می‌رسد به علت مشترک بودن عنوان ***جغرافیای تاریخی*** در میان تاریخ و جغرافیا، مورخان و جغرافی‌دانان هر یک از دیدگاه خویش، تعریفی جداگانه در محتوا، موضوع، هدف و روش تحقیق خاصی برای جغرافیای تاریخی ارائه کرده‌اند؛[۱۹] حتی برخی از مشاهیر جغرافیای تاریخی، مثلاً قرچانلو در جغرافیای تاریخی پس از معرفی دوازده شاخه برای جغرافیا در بحث از جغرافیای تاریخی (که آن را شاخه سیزدهم جغرافیا می‌داند)، با کمال تعجب می‌نویسد: در این باره تعریف خاصی وجود ندارد؟![۲۰] برخی از افرادی که در تحقیقات خویش عنوان جغرافیای تاریخی را وارد می‌کنند نیز زحمت توضیح و تعریف این اصطلاح را به خود نمی‌دهند و به جای بحث از مسائل جغرافیای تاریخی، به ارائه مطالبی در تاریخ محلی می‌پردازند؛[۲۱] غافل از اینکه اطلاعات مربوط به فتوحات، کیفیت فتح، احوال امرا و سلسله‌ها، اوصاف آن بلاد و شرح مزارها، مقابر و مشاهد و اماکن در دوره زمانی خاص، تاریخ محلی است. نه جغرافیای تاریخی.[۲۲]

از ابتدای تدریس جغرافیای تاریخی در دانشگاه‌های ایران، بنیان‌گذاران و پیشروان آن تنها به بحث از چند شهر مهم تاریخی پرداخته‌اند.[۲۳] و محققانی که عنوان جغرافیای تاریخی را بر تحقیقات و آثار خویش می‌نهند، پس از اشاراتی اندک به جغرافیای طبیعی

محل، یکسره تاریخ محلی یا حتی عمومی را در قالب این عنوان بیان کرده و به نام جغرافیای تاریخی ارائه کرده‌اند؛[۲۴] برای برخی نمونه‌های جدیدتر نهچیری نیز که جغرافیای تاریخی را بیوگرافی یک شهر یا منطقه می‌داند و آن را لازمه شناخت وجه تسمیه اسامی شهرها و تحول آنها قلمداد کرده، به نمونه‌هایی اشاره می‌کند.[۲۵] حتی نویسنده‌ای چون قرچانلو در تناقضی آشکار[۲۶] و در اوج آشفتگی تعاریف،[۲۷] جغرافیای تاریخی را معادل توپولومی[i] (مطالعه وجه تسمیه شهرها و نقاط و ذکر اسامی نواحی) می‌خواند.[۲۸] برخی جغرافی‌دانان و نویسندگان مشهور چون اقتداری و برخی نویسندگان پیرو او، پا را از این هم فراتر نهاده و جغرافیای تاریخی را معادل شرح آثار و بناهای باستانی می‌دانند[۲۹] و به شیوه‌ای افراطی باستان شناسی را از آن برداشت می‌کنند.[۳۰]

البته در این میان برخی محققان، جغرافیای تاریخی را بسیار نزدیک بدانچه بنیان گذاران نیمه قرن بیستم و محققان اواخر قرن بیستم در می‌یافتند، معنا می‌کنند؛ برای مثال حسین شکویی در تقریظ خویش بر کتاب *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی*، اثر بیک‌محمدی «جغرافیای تاریخی را نگرش تاریخی به همه نوع مسائل جغرافیایی می‌داند که شامل تمامی شاخه‌های علم جغرافیا می‌گردد». او معتقد است:

باید در جغرافیای تاریخی بررسی فرایند اجتماعی مورد تأکید باشد، زیرا همه تاریخ بشر و به موازات آن تمامی پدیده‌های جغرافیایی حاصل همکاری اجتماعی مردم و یا برخوردهای اجتماعی است.

هم از این روست که بیک محمدی، در مورد علم جغرافیای تاریخی می‌نویسد:

رابطه انسان و طبیعت را در زمان گذشته بررسی کرده، لذا در این علم روابط مکانی انسانی را در قالب گذشته مطرح می‌گردد تا چگونگی مسائل جغرافیایی امروز بهتر درک شود.[۳۱]

i. To Polomy

به بیان دیگر، بیک محمدی جغرافیای تاریخی را همان جغرافیای انسانی (در گذشته) می‌داند.[۳۲] در عین حال ابوالفضل نبئی نیز در مقاله «روش تحقیق تاریخ از جغرافیا، نقش عوامل جغرافیایی در رویدادهای تاریخی یا بررسی مطالب جغرافیایی» تأکید می‌کند بحث از تغییرات جغرافیایی در طول زمان، مثلاً اینکه روزی دریاچه آرال و دریاچه خزر یکی بوده و امثال آن، در واقع تاریخ جغرافیا یا سرگذشت مناطق جغرافیایی است.[۳۳] از نظر او جغرافیای تاریخی به بررسی نقش جغرافیا در تاریخ، یعنی پیروزی‌ها، شکست‌ها، مهاجرت‌ها، تأثیر کوه‌ها، معابر، صحراها و ... در شکل‌گیری حوادث تاریخی و نیز ساخت پایتخت‌ها براساس استقرار در قلب مناطق جغرافیایی و در ارتباط با تأمین امنیت و ... می‌پردازد.[۳۴] ملاحظه می‌کنیم که حتی در برداشت نبئی نیز جغرافیای تاریخی تأکیدی فراوان بر انسان و نقش عامل محیط بر حوادث زندگی او دارد.[۳۵]

۲. آموزش جغرافیای تاریخی در ایران (برنامه‌ها و متون)

الف) برنامه‌های درسی

به گفته قرچانلو پیدایی جغرافیای تاریخی در کشور ما بیشتر از سه دهه سابقه ندارد. کرسی این درس به پیشنهاد دکتر منوچهر ستوده در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و در رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (تاریخ و تمدن ملل اسلامی کنونی) تأسیس گردید.[۳۶] بعدها به همت و کوشش دکتر ابوالقاسم اجتهادی، مدیر وقت این گروه، درس جغرافیای تاریخی در برنامه هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری این رشته گنجانده شد.[۳۷] اما دکتر گنجی اولین معلم جغرافیای تاریخی دانشگاه تهران را استاد سعید نفیسی (در رشته تاریخ و جغرافیای آن روز دانشکده ادبیات) می‌داند.[۳۸] گنجی در عین حال از تدریس استاد فقید دیگر این دانشگاه، حسینعلی ستوده یاد کرده، از تدریس خویش طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ در کلاس‌های فوق لیسانس جغرافیا نیز سخن گفته است.[۳۹] به رغم این اختلاف نظر قرچانلو و گنجی در مورد نخستین مدرس این درس، هر دو در مورد نخستین متن درسی آن روزگار، یعنی کتاب

جغرافیای تاریخی لسترنج، توافق دارند.[۴۰] از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ کم و بیش الگویی برای تدریس این درس بوده است.[۴۱] البته گویا نفیسی در مباحث خود به ذکر چند شهر تاریخی چون ری، قم، همدان و نیشابور اکتفا کرد؛ چنان که حسینعلی ستوده هم بر این منوال عمل می‌نمود.[۴۲] با این حال گنجی روش تدریس خویش را در عنوان کردن مباحث جغرافیای انسانی درس مذکور دارای تفاوتی کلی با روش این استادان ذکر می‌کند.[۴۳] اما توضیح نمی‌دهد این تفاوت کلی در چه چیزی و به چه شکلی بوده است؟!

طبیعتاً این نوع تدریس‌ها نواقصی داشت[۴۴] که اجمال و محور بودن تاریخ محلی از آن جمله بود؛ از این رو پس از انقلاب اسلامی در ایران که برنامه‌های درسی تغییر کرد، افرادی چون قرچانلو که سابقه‌ای طولانی در تدریس این درس داشتند،[۴۵] کوشیدند آن را در مجرای علمی و محققانه‌تری قرار دهند.[۴۶] پس از این فراز و نشیب‌ها بود که درس جغرافیای تاریخی در رشته‌های تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تاریخ، جغرافیا و ایران‌شناسی کم و بیش تدریس گردید؛ اما نگاهی به سرفصل‌های درسی امروز این رشته‌ها، توفیق یا عدم توفیق فراهم آمدن این مجرای عملی و محققانه‌تر را می‌تواند نشان دهد.

در «مشخصات کلی، برنامه درسی و سرفصل» دوره کارشناسی رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مصوب جلسه ۱۳۸۴/۹/۱۵ شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم که طراحی گروه مزبور در دانشگاه تهران است و اکنون در برخی دانشگاه‌ها چون فردوسی مشهد، الزهراء، قزوین، زنجان و تربیت معلم آذربایجان و ناگزیر برخی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی اجرا می‌گردد، به شش واحد درسی بر می‌خوریم؛ در دو واحد نخست، «جغرافیا نگاری در اسلام»[۴۷] بدون پرداختن به مفهوم، تعریف، و موضوع، هدف و رویکرد و مسائل خاص تدریس جغرافیای تاریخی، تنها به ذکر تاریخچه جغرافیا در میان مسلمانان و ملل پیش از آنان پرداخته شده است[۴۸] آن گاه در دو درس دو واحدی با عنوان «جغرافیای تاریخی جهان اسلام ۱ و ۲»، ضمن ارائه مطالب پراکنده جغرافیایی، غالباً مباحثی در تاریخ محلی ارائه گردیده است.[۴۹]

در سرفصل کارشناسی ارشد این رشته (در دانشگاه تهران) نیز با اینکه عنوان درس به

«روش تحقیق در جغرافیای تاریخی» تغییر یافته[۵۰] و هدف آن، آشنایی با مآخذ و روش‌های تحقیق در جغرافیای تاریخی است، اما تأکید بر اینکه در تدریس این درس، باید از آثار باستانی، متون گوناگون تاریخی، جغرافیایی و ادبی، سنگ نوشته‌ها و آثار عتیقه بهره برد، فضای دروس باستان شناسی و تاریخ محلی را به ذهن متبادر می‌سازد و همچنان نشان دهنده شباهت‌های جدی میان این سر فصل و سرفصل کارشناسی این رشته است. البته در سر فصل کمیته تخصصی تاریخ، مصوب جلسه ۲۰۹ شورای عالی برنامه ریزی وزارت آموزش عالی، درس «جغرافیای تاریخی ایران» جزو دروس مشترک دوره دکتری رشته تاریخ آمده است.[۵۱] لیکن در این سرفصل همچون سرفصل رشته تاریخ و تمدن و ملل اسلامی، منبعی برای تدریس ذکر نشده، همچنان سیطره تاریخ محلی به چشم می‌خورد.[۵۲] با وجود این در برخی عناوین محدود، چون بررسی وضع طبیعی و اقلیمی ایران در مورد زندگی مردم این سرزمین[۵۳] و مسئله آب و زمین و ارتباط آن با زندگی مردم[۵۴] نوعی احساس نزدیکی به جغرافیای تاریخی هویداست. هر چند در سرفصل کارشناسی ارشد رشته تاریخ، مصوب ۱۳۷۱/۹/۱۵ شورای عالی برنامه‌ریزی، اصولاً این درس وجود ندارد.[۵۵] در مقطع کارشناسی تاریخ نیز ضمن دروس پیش‌نیاز، دو واحد جغرافیای تاریخی جهان، دو واحد جغرافیای تاریخی ایران و دو واحد جغرافیای تاریخی سرزمین‌های اسلامی[۵۶] آمده که صرف‌نظر از تفاوت عناوین آنها و نبودن منبعی پیشنهادی در تدریس[۵۷] فضای سرفصل‌ها به شدت تاریخ محلی محور است؛ از طرف دیگر کم اهمیت شدن درس جغرافیای تاریخی، از دوره دکتری به مقطع کارشناسی رشته تاریخ نیز می‌تواند نشان‌دهنده بذل توجهی اندک به آن باشد. البته در مصوبه جلسه ۳۳۳ شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت آموزش عالی، مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۲۳، درس جغرافیای تاریخی سرزمین‌های اسلامی جزو دروس اختیاری رشته تاریخ مطرح گردیده است[۵۸] که اختیاری بودن آن و نیز وجود درسی به نام کلیات جغرافیا (با تکیه بر جغرافیای ایران)، ضمن دروس پایه[۵۹] الزامی را برای دانشجو در توجه به جغرافیای تاریخی، یادگیری و درک آن ایجاد نمی‌کند.

شاید برنامه‌های درسی رشته‌های گوناگون تاریخی اندکی نشان از توجه به جغرافیای تاریخی داشته و تأسیس رشته‌هایی تازه چون ایران‌شناسی، خبر از بروز تحولاتی کیفی در سرفصل‌های درسی بدهد، اما دقت در برنامه‌های درسی این رشته‌های تازه تأسیس نیز (مثلاً سرفصل کارشناسی، مصوب جلسه ۵۴۰ شورای گسترش آموزش عالی، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۲) نشان می‌دهد در این رشته هم کار بر منوال رشته‌های تاریخی است و چیزی جز نام عوض نشده است.

در سرفصل گرایش‌های گوناگون رشته جغرافیا هم با تغییری جدی مواجه نیستیم، زیرا اولاً، در سرفصل‌های بسیاری از گرایش‌های رشته جغرافیا چون جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری یا جغرافیای شهری و روستایی (صورت جلسه ۳۳۵، مورخ ۱۳۸۰/۷/۱، شورای عالی برنامه‌ریزی)، جغرافیایی سیاسی، نظامی، جغرافیای ناحیه‌ای و کارتوگرافی (صورت جلسه ۳۶۰ شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت آموزش عالی) اساساً درسی به نام جغرافیای تاریخی به چشم نمی‌خورد؛ ثانیاً، در گرایش اقلیم و ژئومورفولوژی رشته جغرافیای طبیعی (صورت جلسه ۲۴۳، مورخ ۱۳۷۱/۶/۸ شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت آموزش عالی) نیز که احتمالاً تحت تأثیر برخی چهره‌های علاقه‌مند به جغرافیای تاریخی چون گنجی، درس جغرافیای تاریخی گنجانده شده است، باز ملاحظه می‌شود عملاً این سرفصل‌ها مباحث تاریخ جغرافیا یا تاریخچه جغرافیای تاریخی را عرضه می‌دارند[۶۰] شگفت‌تر آنکه برخی از دانشگاه‌های دارای رشته جغرافیا اصولاً این درس را جزو دروس دانشجویان ارائه نکرده‌اند و به جای آن دروس مهم‌تری را ارائه می‌کنند؟!

ب) متون درسی

بنابر سخن برخی مشاهیر جغرافیای تاریخی[۶۱] تا مدت‌های مدید کتاب لسترنج منبع تدریس این درس بوده است؛ حتی اکنون نیز گنجی به هر جغرافی‌دان علاقه‌مند به جغرافیای تاریخی توصیه می‌کند، چه از لحاظ آشنایی با محتوای کتاب و چه از لحاظ درک روش تحقیق و مفهوم جغرافیای تاریخی، از مراجعه بدان غفلت نکنند؛[۶۲] حال آنکه

کتاب لسترنج که اساساً فاقد عنوان جغرافیای تاریخی است[۶۳] و مشخص نیست مترجم فارسی آن از چه رو نام جغرافیای تاریخی را به عنوان اصلی افزوده است[۶۴] کوششی است در ارائه اطلاعات و معلومات پراکنده کتب جغرافی نویسان عرب، ایرانی و ترک (از قدیم تا عهد تیموری)، راجع به شرق اسلامی[۶۵] نویسنده که این کتاب را در ادامه و تکمیل آثار دیگرش چون بغداد در زمان خلافت عباسی[۶۶] (۱۹۰۰) و فلسطین در زمان حکمرانی مسلمانان[۶۷] (۱۸۹۰) نگاشته است، در جای‌جای آن به ارائه تاریخ محلی ولایات و مناطق شرق اسلامی و نه جغرافیای تاریخی آنها پرداخته است.[۶۸] به واسطه این قبیل اشکالات بود که سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاه‌ها (سمت)، تألیف مجموعه ***جغرافیای تاریخی اسلام*** (برای سرفصل رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی) را به دکتر قرچانلو وانهاد که تاکنون دو جلد آن منتشر شده[۶۹] و قرار است تا پنج جلد افزایش یابد.[۷۰] با وجود این به نظر می‌رسد تلاش‌های دکتر قرچانلو چیزی جز افزودن مطالبی که لسترنج به جهت شرقی بودن موضوع کتابش از آن صرف‌نظر کرده و نیز روز آمد کردن آن، نیست؛ برای نمونه ایشان در بحث از جزیرة العرب (خاستگاه اسلام) که آن را سرآغاز بخش دوم کتاب (جلد اول) یعنی جغرافیای تاریخی شهرها[۷۱] قرار داده، به شیوه‌های کاملاً توصیفی به بحث پرداخته[۷۲] و تنها در فقراتی بسیار محدود (چون دو سطر آخر ص ۱۵۴) وجود برخی فرآورده‌های کشاورزی عربستان جنوبی را مایه ثروت و عظمت دولت‌های متمدن آن بلاد دانسته و گاه آنها را باعث درگیری‌هایی شمرده است.[۷۳] جز این نوع اشارات اندک، ایشان پس از ذکر تقسیمات عربستان از نظر جغرافی‌دانان یونانی و اعراب جاهلی[۷۴] بیشتر به بحث از تاریخ محلی این بلاد پرداخته است.[۷۵] از این دو کتاب مشهور درسی که بگذریم، حال و روز دیگر کتب درسی (مثلاً نهچیری، ***جغرافیای تاریخی شهرها*** *برای دانش‌آموزان دبیرستان و معلمین*، ص ۸ و ۹ و ۲۱ به بعد) نیز به همین ترتیب است.[۷۶]

۳. پژوهش در جغرافیای تاریخی (پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌ها)

الف) پایان‌نامه‌ها

وجود پایان‌نامه‌هایی در باب جغرافیای تاریخی و با این عنوان، طی سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹ شمسی.[۷۷] نشان می‌دهد سخن قرچانلو در اینکه آموزش جغرافیای تاریخی در ایران، در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ آغاز شده، درست است؛[۷۸] اما طبیعتاً و با وجود سرفصل‌های درسی که ذکرشان رفت، باید انتظار پایان‌نامه‌های حاصل از این فضای آموزشی را نیز داشته باشیم؛ از این رو در دو گروه آموزشی هدف، یعنی تاریخ و تمدن ملل اسلامی (دانشکده الهیات دانشگاه تهران) و تاریخ (دانشکده ادبیات دانشگاه تهران)، وضع پایان‌نامه‌های دکتری و کارشناسی ارشد تا پایان سال ۱۳۷۷ اجمالاً بدین قرار است.

جدول ۱- براساس فهرست مجله دانشگاه انقلاب، ص ۲۷۵ - ۲۸۴، گروه تاریخ

مجموع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری	پایان‌نامه‌های در زمینه جغرافیای تاریخی
۱۹۷ مورد	۲ مورد

جدول ۲- براساس فهرست مجله دانشگاه انقلاب، ص ۲۵۹ - ۲۶۶، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی

مجموع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری	پایان‌نامه‌های در زمینه جغرافیای تاریخی و دارای تصریح بر این عنوان	وجود واژه‌های دیگر چون اوضاع تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و مشاهیر در عناوین پایان‌نامه‌ها
۱۹۷ مورد	۲ مورد	۱۰ مورد
		نشانگر رویکرد به تاریخ محلی

ب) پژوهش‌ها

از مجموع ۱۱۰ عنوان پژوهش صورت گرفته طی سالیان (جدول ۳) که ۱۰۰ مورد آنها را دکتر گنجی و بقیه را نگارنده بررسی کرده است.[۷۹] می‌توان نکات زیر را به دست آورد:

جدول ۳

آثار پژوهشی دارای عنوان جغرافیای تاریخی	عدم اطلاع نویسندگان از جغرافیا و جغرافی‌دان نبودن نویسندگان این آثار به معنای خاص کلمه	ارائه مطالب تاریخ محلی به عوض جغرافیای تاریخی	ارائه مطالب باستان شناسانه به عوض جغرافیای تاریخی
۱۱۰ مورد	حدود ۸۰ درصد	تقریبا تمامی موارد	۴ مورد

همچنین در کشور دائرة المعارف‌های فراوانی وجود دارد که از آن میان فعالیت دو دائرة المعارفِ *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل و *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی در زمینه جغرافیای تاریخی قابل توجه‌تر است. سال‌هاست گروه‌های جغرافیای این دو دائرة المعارف ضمن نگارش مقالاتی مستند و روزآمد در باب مباحث گوناگون جغرافیایی، اصطلاحات و کتب جغرافیایی جهان اسلام و ایران، به نگارش مقالاتی مستند و روزآمد در زمینه جغرافیای تاریخی مناطق گوناگون جهان اسلام نیز اهتمامی ویژه دارد. در اینجا لازم می‌دانم به بررسی دو مقاله خودم که در جلد ۱۲ *دانشنامه جهان اسلام* منتشر شده (۱۳۸۷) بپردازم:

مقاله اول) چورم: مقاله‌ای کوتاه در دو بخش استان چورم و شهر چورم در ترکیه امروز. کل مقاله هفت پاراگراف بوده، براساس منابع و مآخذ دست اول و متقن نگاشته شده است. از این هفت پاراگراف تنها دو پاراگراف به معرفی توصیفی موقعیت جغرافیایی چورم اختصاص داشته، چهار پاراگراف به بحث از آثار باستانی، شهری، مزارات و حوادث رخ داده در آن، به ویژه در عصر عثمانی می‌پردازد. در یک پاراگراف باقی‌مانده نیز مطالبی در معرفی شهرهای استان چورم، محصولات و امکانات طبیعی آن به چشم می‌خورد.[۸۰]

مقاله دوم) حدث: شهری ویران در ترکیه امروز این مقاله در چهار ستون دائرة المعارف منتشر شده است. تنها در پاراگراف اول، مباحث مکان‌یابی جغرافیایی این شهر وجود دارد

و بقیه مقاله به تمامی، معطوف به ذکر حوادث تاریخی (به شیوه تاریخ محلی) است. این حوادث تاریخی از اواخر دوران سلطه بیزانس آغاز شده و تا سال ۸۳۹ ق (سال حمله سپاهیان ممالیک مصر بدان حدود) ادامه می‌یابد.[۸۱] چند سطر نیز حاوی اشاره‌هایی مختصر به موقعیت کوهستانی و برفگیر شهر است و دست آخر در پنج سطر از پاراگراف پایانی مقاله، برخی دانشمندان حدث (بر همان شیوه تاریخ محلی) معرفی شده است.[۸۲]

۴. مشکلات جغرافیای تاریخی و ارائه چند پیشنهاد

با وجود آنکه جغرافیای تاریخی می‌تواند به مثابه یک دانش بین رشته‌ای افق‌های مشترک میان تاریخ و جغرافیا را در نوردد و با تلفیق نگاه تاریخی و جغرافیایی، موضوعات را از منظری تازه بنگرد، متأسفانه ملاحظه می‌کنیم رویکرد غالب آموزش و پژوهش آن توجه به تاریخ محلی (که در جای خود ارزشمند، اما جدای از جغرافیایی تاریخی است) گردیده است. البته نگارنده به هیچ رو مدعی نیست که از دیدگاهی جامع در باب مشکلات و مسائل موجود در آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی برخوردار است؛ چنان که ارائه چند نکته و نمونه در باب کاربردی و عینی‌تر ساختن پژوهش‌های جغرافیای تاریخی ـ که در ادامه مقاله می‌آید ـ نیز باید پیشنهاداتی فروتنانه تلقی گردد. و اینکه یک علاقه‌مند به مطالعات تاریخی، معتقد است با استفاده از ابزار جغرافیای تاریخی می‌توان راه‌های تازه‌ای را در تاریخ پژوهشی گشود.

چنان که ملاحظه کردیم، آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی در ایران گرفتار چند اشکال است؛ یکی از مهم‌ترین آنها نداشتن دیدگاهی روشن درباب جغرافیای تاریخی و خلط کردن میان آن و برخی حوزه‌های دیگر مانند تاریخ محلی یا باستان شناسی است. همچنین به گواهی برخی از استادان و محققان مشهور این حیطه، نبود یا کمبود کتب درسی و جزوات آموزشی مناسب نیز از دشواری‌های دیگر آن است.[۸۳] هر چند تاکنون آثار متعددی در این زمینه (عمدتاً از سوی غیر متخصصان) نگاشته شده است.[۸۴]

در سطح جهان نیز اکنون مطالب فراوانی در باب علل ناکارآمدی و نیز دشواری‌های

خاص جغرافیای تاریخی مطرح گردیده است. یکی از آنها مقاله مهم و تازه «جغرافیای تاریخی در میانه جغرافیا و تاریخ نگاری» نوشته کوچرا است. از نظر کوچرا، مسئله مهم همیشگی جغرافیای تاریخی، از آغاز شکل‌گیری، عدم تمایز کافی آن از دیگر علوم است. علاوه بر این جایگاه جغرافیای تاریخی نیز ابهامات فراوانی دارد.[۸۵] کوچرا تأکید دارد به رغم تلاش بسیار در حل این دو مسئله، فقدان مبنای روش شناسی و نظری، باعث لاینحل ماندن آنها شده است.[۸۶]

همچنین کوچرا در توضیح بیشتر این قبیل مشکلات اذعان می‌کند؛ به واقع این مشکلات است که باعث ماهیت صرفاً توصیفی جغرافیای تاریخی گشته، مانع از تمرکز آن بر توضیح و جستجوی قوانین می‌شود.[۸۷] چنان که نتیجه توصیفی بودن نیز چیزی جز ناکارآمد و غیر سودمند شدن آن نیست.[۸۸] اگر واقع بینانه بنگریم، خواهیم دید این ایرادها به پژوهش‌ها و آموزش‌های ما نیز در زمینه جغرافیایی تاریخی وارد است؛ البته کوچرا با استناد به پژوهش‌هایی بسیار[۸۹] پیشنهاداتی را نیز برای بهبود اوضاع ارائه می‌کند که برخی از آنها عبارت است از:

۱. باید بدانیم جغرافیای تاریخی، علمی جغرافیایی است و نباید تنها آن را به منزله توپوگرافی در نظر آورد.

۲. جغرافیای تاریخی در پی بازسازی پدیده‌های جغرافیایی است که دیگر وجود ندارد؛ از این رو به شناخت ما از وضع کنونی منطقه مورد نظر کمک می‌کند.

۳. باید به عنصر مکان (جغرافیایی) توجه کافی کرد و عنصر زمان (تاریخ) را از حالت صرف سالشمارانه که توصیف آفرین است، رها ساخت.[۹۰]

۴. از آنجا که در یک منطقه امروزین قوانین جغرافیایی به تمام قامت جاری و ساری است، این قوانین در مناطق جغرافیایی گذشته نیز جاری و ساری بوده است.

۵. شاغلان به این رشته باید تخصص‌های ضروری جغرافیایی و تاریخی را فرا گیرند تا درکشان از جغرافیای تاریخی ارتقا یابد.[۹۱]

اجرای پیشنهادات کوچرا دشوار نیست؛ حتی در میان مسلمانان می‌توان نمونه‌هایی را

یافت که تا حدودی به اجرای برخی از آنها توفیق یافته‌اند. یکی از این نمونه‌ها کتاب *الجغرافیا التاریخیة لإفریقیه* نوشته دکتر محمد حسن است. نویسنده در مقدمه، پس از ذکر ارتباط جغرافیای تاریخی با انواع علوم جغرافیایی و اینکه تمامی این علوم در جغرافیای تاریخی، در رودخانه تاریخ جریان پیدا می‌کنند[۹۲] آن را برخاسته از مکتب سال‌شمارانه فرانسوی‌ها می‌داند که در روزگاران کهن نیز نمونه‌های بسیار دارد.[۹۳] لیکن حسن که به خوبی با آثار جغرافی دانان مسلمان و تحقیقات جدید آشناست و از مشاهده مستقیم نیز در پژوهش خویش بهره می‌برد[۹۴] معتقد است از اواخر قرن بیستم این مکتب به سوی دقت‌گرایی روز افزون و کارآمدی بیش از پیش حرکت کرده است[۹۵] حسن پس از بحث از مسائل اساسی جغرافیای تاریخی و تبیین رابطه آنها با مفاهیمی چون توپونومی[۹۶] به بحث از خصوصیات اسامی مناطق افریقیه (موضوع کتاب) پرداخته، بر این باور است اسامی جغرافیایی مذکور و یا حتی اسامی قبایل، دچار توسعه[۹۷] و تضییق[۹۸] شده‌اند که توجه به آنها، آگاهی از مکان‌یابی آن بلاد و مسئله اقامت انسان (در اینجا اعراب) را در آن آسان‌تر می‌سازد.[۹۹] آن گاه حسن در روشن ساختن دو مفهوم اساسی عمارت (آبادانی همراه با سکونت) در افریقیه، به بررسی دو واژه «قریه» و «قصر» می‌پردازد.[۱۰۰] و علت تفاوت آنها را در نواحی غرب اسلامی و اندلس (اسپانیای اسلامی) شرایط اقلیمی، مورفولوژی و دموگرافی می‌داند[۱۰۱] آن گاه توضیح می‌دهد شرایط و میزان سکونت در قریه‌های واقع در دشت یا ساحل چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد؛ چنان که از نظر او به کاربردن واژه‌های چون «قریه صغیره»، «قریه حقیره» یا «قریه بلامعنی» از سوی جغرافی‌دانان مسلمان نمایانگر توجه ایشان به این نوع تفاوت‌هاست.[۱۰۲]

حسن در فصل سوم کتاب خویش به ذکر مسائل خاص جغرافیایی نواحی ساحلی در طی روزگاران، مسائل آب‌وهوایی، راه‌ها، چگونگی آبیاری و تأثیر آن در اقامت انسان و مسافت شهرها با یکدیگر می‌پردازد.[۱۰۳]

جالب آن است که ارائه اطلاعاتی که آنها را تاریخ محلی می‌خوانیم، در این اثر بسیار

اندک و تابع مطالب اصلی نویسنده و تنها به منظور تأیید فرضیات اوست.

علاوه بر این یک حوزه جذاب و تازه جغرافیای تاریخی پژوهی می‌تواند توجه به انسان یا به تعبیر جغرافی‌دانان، مسئله جغرافیای انسانی در طی قرون باشد.[۱۰۴]

اگر بخواهیم این مطلب را با زبان تاریخ توضیح دهیم، باید اشاره کنیم در حوزه جدید تاریخ اجتماعی ـ فرهنگی که توجه آن به موضوع مردم و نه سلاطین و حکام است و به سادگی می‌توان آن را تاریخ از پایین[۱۰۵] خواند،[۱۰۶] آیا جغرافیای تاریخی نمی‌تواند برای مورخان اجتماعی ـ فرهنگی توضیح دهد، چرا آدمیان مکان‌هایی خاص را برای سکونتگاه خویش برگزیده‌اند؟ و اینکه چرا در مناطق جغرافیایی به خصوصی ساختارهایی خاص از تفکر، زندگی، آداب و رسوم، سیاست و اقتصاد به منصه ظهور رسیده است؟[۱۰۷] و آیا جغرافی‌دانان که کمتر از مورخان در دربارها ساکن بوده و بیشتر با مردمان عادی ارتباط داشته‌اند، هر چه بهتر اینها را لمس و درک نکرده‌اند؟

نتیجه

به نظر می‌رسد وجود ابهاماتی در موضوع، روش و هدف جغرافیای تاریخی باعث شده تدریس و پژوهش این دانش بین رشته‌ای (تاریخ و جغرافیا) در ایران گرفتار ابهامات و اشکالاتی گردد. مهم‌ترین این اشکالات خلط مباحث آن با باستان‌شناسی و تاریخ محلی است. البته به رغم رواج نسبی تدریس آن و تألیف آثار نسبتاً پر شمار در این عرصه، این ابهامات و اشکالات همچنان باقی است که امید می‌رود با توجه بیشتر به ماهیت جغرافیایی آن، پرهیز از توصیف محض، باز تعریف عنصر زمان (تاریخ) و توجه به جغرافیای انسانی و پرداختن به افق‌هایی تازه چون فرهنگ انسانی بتوان با کمک و همت محققان آشنا به دانش‌های گوناگون و بایسته در جغرافیای تاریخی بر کارامدی و کاربردی‌تر ساختن آن در ایران افزود.

پی‌نوشت‌ها

1. Encyclopedia Britannica, s.v. Historical Geography.

2. Ibit.

3. carlo sauer, forword to Historical Geography, Annals of the Association of American Geographers, No. 7 , Vol. xxxI, p. 4.

4. Ibit, P. 7.

5. Ibit, p. 8.

6. Ibit, p. 9.

7. Ibit, pp. 10 – 15.

8. Ibit, p. 15.

9. Ibit, pp. 15 – 17.

10. Dewent Wittlesey, The Hirizon of Geogrophy, Annals of the Association of American Geographers, No 1, Vol. xxxv, PP. 4 – 6.

11. Idem, pp. 1- 4.

12. Idem, pp. 30 – 32.

13. Small and witherich, s. v "Historical Geography".

14. Enc Britannica. S. v.

15. Ibit, John small and Micael witherick, AModem Dictionary of Geography, s. v. Historical Geography, Edward Arnola.

۱۶. ر. ک: ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹) فصل ۱ـ ۱۶؛ محمد حسن گنجی، «جغرافیا»، *دانشنامه جهان اسلام*.

۱۷. محمد حسن گنجی، *جغرافیا در ایران* (تهران و مشهد: آستان قدس رضوی و موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی، ۱۳۸۰) ص ۲۲۶.

۱۸. *همان*، ص ۲۲۳؛ حسن بیک محمدی، *مقدمه‌ای به جغرافیای تاریخی ایران* (اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۷) ص ۴ ـ ۱۳.

۱۹. *همان*.

۲۰. حسین قرچانلو، ***جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی(۱)*** (تهران: سمت، ۱۳۸۰) ص۵ـ۸.

۲۱. برای مثال ر. ک: ***جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام*** (قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۱) ص ۷ ـ ۸؛ مجتبی میرمیران و حسن کهنسال، «مروری بر جغرافیای تاریخی گیلان، قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم»، ***مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای***، ش ۶، بهار و تابستان، ۱۳۸۵، ص ۱۹۷ و ۱۹۸ به بعد.

۲۲. عبدالحسین زرین کوب، ***تاریخ ایران بعد از اسلام*** (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰) ص ۵۸؛ سید صادق سجادی و هادی عالم‌زاده، ***تاریخ نگاری در اسلام*** (تهران: سمت، ۱۳۷۵) ص ۱۰۹، ۱۲۶، ۱۲۹.

۲۳. محمد حسن گنجی، *پیشین*، ص ۲۲۳.

۲۴. برای مثال: محمد جواد مشکور، ***جغرافیای تاریخی ایران باستان*** (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۱) ص ۹ ـ ۴۱، ۴۳ ـ ۵۷، ۶۱ ـ ۶۴، ۶۵ ـ ۷۸، ۹۵ ـ ۱۱۰، ۱۱۲ به بعد؛ عزیز الله بیات، ***کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخ ایران*** (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷) ص ۱۱ ـ ۴۳، ۴۶ ـ ۷۸، ۸۳ ـ۹۴، ۱۳۰ به بعد؛ ایرج افشار سیستانی، ***جغرافیای تاریخی دریای پارس*** (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۶) ص ۱۳ ـ ۱۹ و ۱۱۱ به بعد.

۲۵. عبدالحسین نهچیری، ***جغرافیای تاریخی شهرها برای دانش آموزان دبیرستان و معلمین*** (تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶) ص ۸ ـ ۹؛ حسن بیک محمدی، *پیشین*، ص ۱۶۷ ـ ۲۰۱؛ محمد مشهدی، جغرافیای تاریخی منطقه کاشان در تاریخ قم، ***فصلنامه کاشان شناخت***، شماره اول، بهار ۱۳۸۴، ص ۸۹ ـ ۹۷ و به بعد.

۲۶. مقایسه شود: همو، ج ۱، ص ۸.

۲۷. وی از یک سو آن را بررسی تأثیر محیط جغرافیایی بر وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی می‌داند و از سوی دیگر آن را تاریخ اکتشافات جغرافیایی می‌خواند.

(ص ۸).

۲۸. *همان*، ص ۱ ـ ۲.

۲۹. احمد اقتداری، خوزستان، کهکلویه و ممسنی، ***جغرافیای تاریخی و آثار باستانی*** انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹) ص ۱ ـ ۲.

۳۰. همایون رضوان، «نگاه اجمالی به پیشینه و آثار باستانی شهرستان ورامین» ***مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران***، ش ۱۷۷، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۷۴ ـ ۱۷۵؛ عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ***باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخ قصص قرآن*** (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲) ص ۹، ۲۷، ۴۹، ۸۱، ۹۵، ۱۵۱، ۲۰۵، ۲۳۳، ۲۹۹، ۳۳۷، ۳۶۷، ۳۹۳، ۴۴۵، یعقوب محمدی فر، «مروری بر کلیات جغرافیای تاریخی منطقه زاگرس مرکزی در دوران پیش از اسلام»، ***مجله مطالعات ایرانی***، سال پنجم، ش ۹، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۷۴ ـ ۱۸۴.

۳۱. حسن بیک‌محمدی، *پیشین*، ص ۱۵.

۳۲. همان، نیز ر. ک: علی اصغر رضوانی، «جغرافیای تاریخی ساوه» ***پژوهش‌های جغرافیایی***، ش ۵۶، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۷ ـ ۱۸.

۳۳. حسن بیک محمدی، *پیشین*، ص ۱۲۴.

۳۴. ابوالفضل نبئی، «روش تحقیق تاریخ از جغرافیا...»، ***فصلنامه تحقیقات جغرافیایی***، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۶۵، ص ۱۲۵ ـ ۱۳۳، ۱۳۵ ـ ۱۳۶.

۳۵. حسن بیک محمدی، *پیشین*.

۳۶. حسین قرچانلو، *پیشین*، ج ۱، ص ۱.

۳۷. *همان*، ص ۲.

۳۸. محمد حسین گنجی، *پیشین*، ص ۲۲۳.

۳۹. *همان*.

۴۰. *همان*، حسین قرچانلو، *پیشین*، ص ۱.

۴۱. برای مثال: حسین قرچانلو، *پیشین*، محمد حسن گنجی، *پیشین*.

۴۲. محمد حسین گنجی، *پیشین*.

۴۳. *همان*.

۴۴. حسین قرچانلو، *پیشین*، ص ۲.

۴۵. *همان*.

۴۶. *همان*.

۴۷. مشخصات کلی برنامه درسی و سرفصل، ***دوره کارشناسی رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی***، ص ۶۹ ـ ۷۱.

۴۸. *همان*.

۴۹. *همان*، ص ۷۲ ـ ۷۴.

۵۰. *همان*، ص ۱۰۹.

۵۱. *همان*، ص ۶.

۵۲. *همان*، ص ۱۲ ـ ۱۳.

۵۳. *همان*، ص ۱۲.

۵۴. *همان*، ص ۱۳.

۵۵. البته در سرفصل کارشناسی ارشد تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی حوزه علمیه قم، مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۶، درس جغرافیای تاریخی (بر همان شیوه دانشکده الهیات دانشگاه تهران) آمده است.

۵۶. *همان*، ص ۱۰ ـ ۶۰.

۵۷ *همان*، ص ۶۵ ـ ۶۷.

۵۸. *همان*، ص ۱۱.

۵۹. *همان*، ۵ ـ ۷.

۶۰. *همان*، ص ۷۲.

۶۱. محمد حسن گنجی، *پیشین*، ص ۲۲۳؛ حسین قرچانلو، *پیشین*، ج ۱، ص ۱.

۶۲. محمد حسن گنجی، *پیشین*، ص ۲۲۵.

63. The lands of the Eastern caliphate, Mesopotamia. Persia and cantnal Asia from the Moslem conquest to the time of timur.

۶۴. ر. ک: لسترنج، ***جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی***، ... ترجمه محمود عرفان (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷) ص ۱۷ ـ ۱۹.

65. Lestrange , preface, p. v.
66. Baghdad Under the Abbasid caliphate.
67. Palestine Under the Moslems.
68. Ibit.

۶۹. ر. ک: حسین قرچانلو، *پیشین*، ج ۱ و ۲.

۷۰. *همان*، ج ۱، ص ۲؛ یونس فرهمند، «*معرفی کتاب جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی جلد دوم*» *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۹۰ ـ ۹۱؛ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۱۰۰.

۷۱. حسین قرچانلو، *همان*، ج ۱، ص ۱۳۹.

۷۲. برای نمونه، *همان*، ص ۱۳۹ ـ ۱۵۴.

۷۳. *همان*، ص ۱۵۴.

۷۴. *همان*، ص ۱۵۵ ـ ۱۵۶.

۷۵. برای نمونه ر. ک: *همان*، ص ۱۵۶ به بعد، ص ۱۶۳ به بعد، ۱۸۰ به بعد، ۲۱۲ به بعد، ۲۴۷ به بعد، ۳۲۰ به بعد؛ یونس فرهمند، *پیشین*، ص ۱۰۱ ـ ۱۰۳.

۷۶. البته ممکن است در تدریس جغرافیای تاریخی از متون دیگری نیز استفاده شود که به بررسی برخی از آنها در ادامه مقاله خواهیم پرداخت.

۷۷. «فهرست پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری تاریخ، *مجله دانشگاه انقلاب*، ص ۲۶۳، ش ۱۶ و ۸۰؛ ص ۲۶۰، ش ۲۳، ص ۲۵۹، ش ۴؛ ص ۲۶۳ ـ ۲۶۴، ش ۱۰۱؛ ص ۲۶۶، ش ۱۵۲.

۷۸. حسین قرچانلو، *پیشین*، ج ۱، ص ۱، مقایسه شود: محمد حسن گنجی، *پیشین*، ص

.۲۲۳

۷۹. برای مثال: احمد اقتداری، *پیشین*، ص ۱ ـ ۲؛ و فصل ۱ ـ ۱۲؛ عزیزالله بیات، *پیشین*، ص ۴۶ ـ ۷۸، ۸۳ ـ ۹۴، ۱۳۰ به بعد، محمد جواد مشکور، *پیشین*، ص ۶۱ ـ ۷۸، ۹۵ ـ ۱۱۰ و ۱۱۲ به بعد؛ ایرج افشار سیستانی، *پیشین*، ص ۱۳ ـ ۱۰۹ و ۱۱۱ به بعد؛ عبدالحسین نهچیری، *پیشین*، ص ۲۱ به بعد، حسن بیک محمدی، *پیشین*، ص ۱۶۷ ـ ۲۰۱؛ عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، *پیشین*، ص ۹، ۲۷، ۴۹، ۸۱، ۹۰، ۱۵۱، ۲۰۵، ۲۳۳، ۲۹۹، ۲۳۷، ۳۶۷، ۳۹۳ و ۴۴۵؛ محمد مشهدی، *پیشین*، ص ۸۹ ۹۰ ـ ۹۷؛ یعقوب محمدی فرد، *پیشین*، ص ۱۷۴ ـ ۱۸۴، ۱۹۷ ـ ۱۹۸ به بعد، علی اصغر رضوانی، *پیشین*، ص ۱۸ ـ ۲۰ به بعد.

۸۰. احمدوند،«چورم»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱۲.

۸۱. *همان*.

۸۲. *همان*.

۸۳. حسین قرچانلو، *پیشین*، ج ۱، ص ۲.

۸۴. محمد حسن گنجی، *پیشین*، ص ۲۲۶.

85. Zden eK Ku cera, Historical Goognaphy beween Geography and Historiography klaudyan, Vol. 5/2008, No I, pd. 5-13.

86. Ibit.

87. Ibit, p. 6.

88. Ibit.

89. Ibit, pp, 10, ff.

90. Ibit, pp, 9 – 10.

91. Ibit, p, 10.

۹۲. محمد حسن، *پیشین*، ص ۷.

۹۳. *همان*.

۹۴. *همان*، ص ۲۶۹ ـ ۲۹۲ و تصاویر ضمیمه.

۹۵. *همان*.

۹۶. *همان*، ص ۹ ـ ۱۰.

97. widening.
98. narrowing.

۹۹. *همان*، ص ۱۰ ـ ۱۸.

۱۰۰. *همان*، ص ۱۸ ـ ۱۹ و ۳۶.

۱۰۱. *همان*، ص ۱۹.

۱۰۲. *همان*، ص ۲۰ ـ ۲۱، و ر. ک: *همان*، ص ۲۵، ۲۶، ۳۱، ۳۵، ۳۶ و ۶۸ ـ ۱۱۶.

۱۰۳. *همان*، ص ۱۲۳ ـ ۱۹۲ و ۲۰۱.

۱۰۴. حسن بیک محمدی، *پیشین*، ص ۱۵ . و ر. ک:

Whittlesey Derwent, op. cit, pp, 1 – 4. sauer car. Op. cite, pp, 18.
105. history from blow.

۱۰۶. ر . ک: ابراهیم موسی‌پور، تاریخ اجتماعی رویکردی نوین به مطالعات تاریخی، *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، سال دوم، ش ۶، پاییز و زمستان ۸۶، ص ۱۴۱ ـ ۱۵۵.

107. Ogborn Miller, "The relations between Geography and History work in Historical Geography in 1997" 'prograess in Human Geography' 23, 1999, pp 97 – 108; David w. Miller, "Geognaphy", Encyclopedia of social History, edited by peter N. Stearns, Carland publishing inc, Newyork and London, 1994, saure carl, op. cite; whittesey derwent, op. cit.